

بررسی رابطه خلاقیت و هوش هیجانی در بین دانش آموزان

سونیا راد

کارشناسی مدیریت بازرگانی پردیس بین الملل فارابی

مقدمه

در واقعیت امر ما دو ذهن داریم، یکی که فکر می کند و دیگری که احساس می کند. این دو راه متفاوت شناخت، در کنشی متقابل، حیات روانی ما را میسازند. ذهن خردگرا همان مقام درک و فهم است که به مدد آن قادر به تفکر و تعمق هستیم. ولی در کنار آن نظام دیگری نیز برای دانستن وجود دارد، نظامی تکانشی و قدرتمند و گهگاه غیرمنطقی، یعنی ذهن هیجانی. تقسیم ذهن به دو بخش هیجانی و خردگرا تقریباً مانند تمایزی است که عوام میان «قلب» و «سر» قائلند. احساس یقین حاصل از گواهی «قلبی» بر درست بودن چیزی، متفاوت با گواهی عقلی و تا حدودی عمیق تر از آن است. نسبت کنترل عقلانی ذهن بر بخش هیجانی آن روند یکنواختی دارد؛ هر چه احساس شدیدتر باشد، ذهن هیجانی مسلط تر و ذهن خردگرا بی اثر تر می گردد. به نظر می رسد که اینترتیب، از امتیازی سرچشمه می گیرد که تکامل طی اعصار متمادی به احساسات و ادراک های شهودی ما داده است تا راهنمای پاسخ های آنی ما در موقعیت های مخاطره آمیز باشند؛ زیرا گاهی لحظه ای تأمل برای فکر کردن درباره کاری که باید انجام شود، ممکن است به قیمت از دست دادن زندگی ما تمام شود. این دو ذهن در اکثر موارد بسیار هماهنگ عمل میکنند اما با این وجود، دو ذهن خردگرا و هیجانی نیروهای نسبتاً مستقل از هم هستند.

عملکرد ذهن هیجانی بسیار سریع تر از ذهن خردگراست. ذهن هیجانی بدون آنکه حتی لحظهای درنگ کند تا بررسی کند که چه می کند، مانند فنر از جا می جهد و دست به عمل میزند. نقطه تمایز ذهن هیجانی از واکنش سنجیده و تحلیل گرایانه ای که مشخصه ذهناندیشمند است، سرعت عمل آن است. اعمالی که از ذهن هیجانی سرچشمه می گیرند با قطعیت شدید و مشخص همراهند که حاصل روش جاری و آسان گیر ذهن هیجانی در نگرستن به اطراف است که می تواند برای ذهن خردگرا کاملاً مبهوت کننده باشد. پس از

فرو نشستن گرد و غبار یا حتی در میانه راه متوجه می شویم که داریم از خود می پرسیم «راستی چرا آنکار را کردم؟» این سوال نشانه ای از آن است که ذهن خردگرا در حال آگاهی یافتن از آن لحظه است اما نه با سرعت ذهن هیجانی. از متداول ترین پاسخ های هیجانی سریع و نپخته، ازدواج های غلط است؛ چرا که در حالات هیجانی ذهن انسان از تفکر منطقی خالی می شود و پس از فروکش کردن هیجان ها تازه می فهمیم که چه بلایی سر خود آورده ایم. ذهن هیجانی همانند یک شمشیر دولبه است؛ امتیاز بزرگ ذهن هیجانی در این نکته است که می تواند واقعیت هیجانی را در یک لحظه دریابد (او از دست من عصبانی است، او دروغ می گوید، او فکر خطرناکی در کله دارد)، و در یک آن به قضاوتی شهودی دست بزند کهبه ما می گوید در مقابل چه کسی باید احتیاط کنیم، به چه کسی باید اعتماد کنیم و چه کسی درمانده است. ذهن هیجانی را دار ما برای اعلام خطر است. اگر ما (یا پیشینیان ما در طول دوران تکاملی) در برخی از این موارد منتظر ارزیابی عقل خردگرا می ماندیم نه تنها ممکن بود اشتباه کنیم، که حتی شاید زنده هم نمی ماندیم. اما همین ذهن هیجانی ممکن است دردسرساز شود؛ مشکل اینجاست که این برداشت ها و قضاوت های شهودی از آنجاکه در یک لحظه صورت می گیرند ممکن است اشتباه یا گمراه کننده باشند. حال با این مقدمه بهتر می توانیم مفهوم «هوش هیجانی» را دریابیم. دانیل گلمن (۱۹۸۸).

بیان مسئله

گولمن معتقد است، هوش عاطفی بالا تبیین می کند که چرا افرادی با ضریب هوشی^۲ متوسط موفق تر از کسانی هستند که نمره های ضریب هوشی بسیار بالا تری دارند. با ظهور عصر اطلاعات و ارتقاء ارزش مندی ارتباطات انسانی و هم چنین بروز موقعیت های استراتژیک سازمانی، نظریه هوش عاطفی رشد چشم گیری یافته و از مباحث پرطرفدار سازمانی شده است. هوش هیجانی، اصطلاح فراگیری است که مجموعه گسترده ای از مهارت ها و خصوصیات فردی را در بر گرفته و معمولاً به آن دسته مهارت های درون فردی و بین فردی اطلاق می گردد که فراتر از حوزه مشخصی از دانش های پیشین، چون هوشبهر و مهارت های فنی یا حرفه ای است. هوش هیجانی از آخرین مباحث متخصصین در خصوص درک تمایز بین منطقی و هیجان بوده و برخلاف مباحث اولیه در این جا، فکر و هیجان به عنوان موضوعاتی برای سازگاری و هوش مندی تلقی شده است به علاوه، شبیه سایر مباحث مطرح درخصوص ماهیت انسان، هوش هیجانی نیز دستخوش دو نوع بحث و گفتگوی علمی و عوام پسند گردیده است. (رمضان حسین زاده ۱۳۸۷)

اصطلاح هوش عاطفی برای اولین بار در دهه ۱۹۹۰ توسط دو روان شناس به نام های جان مایر و پیتر سالووی مطرح شد. آنان اظهار داشتند، کسانی که از هوش هیجانی برخوردارند، می توانند عواطف خود و دیگران را کنترل کرده، بین پیامدهای مثبت و منفی عواطف تمایز گذارند و از اطلاعات عاطفی برای

1. emotional
2. IQ

راهنمایی فرایند تفکر و اقدامات شخصی استفاده کنند. دانیل گلمن صاحب نظر علوم رفتاری و نویسنده کتاب «کار کردن به وسیله هوش هیجانی» اولین کسی بود که این مفهوم را وارد عرصه سازمان نمود. گلمن هوش هیجانی را استعداد، مهارت و یا قابلیت دانست که عمیقاً تمامی توانایی‌های فردی را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

اینجا لازم است درباره خود کلمه هیجان بیشتر بدانیم: هیجان کلمه ای است که در فارسی بیشتر برای احساسات و حالات پر شور و پر انرژی از آن استفاده می‌کنیم، ولی در روانشناسی برای بیان تمام حالات احساسی و روانی مثبت و منفی و علائم جسمانی همراه آن به کار می‌رود. هیجانات مثل خشم، ترس، عشق و محبت، تنفر، امید، ناامیدی، نگرانی، احساس حقارت، غرور، غم و اندوه، شادی، تعجب، شرم، پشیمانی، دلسوزی و...

آدمی ذاتاً خلاق متولد می‌شود با این حال خلاقیت در مراحل ابتدایی زندگی، تکامل یافته و پیشرفته نیست و به همین دلیل نیازمند به توجه و هدایت می‌باشد. قطعاً نخستین جایگاه خلاقیت دوران کودکی است بنابراین مدت زمان زیادی لازم است که کودک تجربه اندوزی کند و خلاقیت اش را غنا بخشد، بدون تردید خلاقیت تنها برای دوران کودکی مورد نیاز نیست، کودک به خلاقیت برای تمامی عمر نیاز دارد. گیلفورد خلاقیت را عمل یا رفتاری میداند که راه حل مناسب برای مشکل ارائه نماید او می‌گوید: خلاقیت عبارت است از نشان دادن عمل یا رفتار و توانایی خلاق و به طور کلی عمل خلاقانه یعنی ارائه ی راه حل مناسبی برای مسائل و مشکلات بنابراین انسان تا با مشکلاتی روبرو نشود خلاقیتی از او صادر نمی‌شود، بنابراین مستلزم بهره گیری از نوعی تفکر است که گیلفورد آن را تفکر واگرا می‌نامد یعنی یافتن راه حل مسأله به صورت متفاوت از راه حل معمولی. (پیرخانی: ۱۳۸۴)

با پیشرفت روز افزون دانش و تکنولوژی و جریان گسترده اطلاعات، امروزه جامعه ما نیازمند آموزش مهارت هایی باشد که بتوانند با مغزی خلاق با مشکلات روبرو شده و به حل آنها بپردازند. (خداپناهی: ۱۳۷۹) هیچ کس قادر نیست به میزان اطلاعات واقعی هرکس که در گوشه ی ذهن او نهفته است پی برد این اطلاعات زمانی به حرکت در می‌آید که انگیزه ای قوی سبب رها شدن آن به بیرون ذهن می‌شود در این مرحله دانش آموزان به سرنوشت یکدیگر حساسند و در جهت رشد یکدیگر می‌کوشند و در نهایت سبب می‌شود جریانی از علم و دانش و تجربیات میان آنها جاری می‌شود که همین امر زمینه ساز نوآوری و خلاقیت خواهد بود. (کلثومی: ۱۳۷۷) یکی از مسائل اصلی در خلاقیت دوران کودکی است دوران کودکی مسأله آزادی در رشد و آزادی در تجربه اندوزی است در این دوران چون ذهن کودک هنوز رشد کافی نکرده است عملاً برای تجزیه و تحلیل عقلی آمادگی ندارد و از طرفی حواس نقش بسیار مهمی در فعالیت های کودک دارد می‌کند. آزادی در استفاده و بهره گیری از این حواس و عضلات است که موجب خلاقیت و رشد و شکوفایی حس و حرکتی کودک می‌شود. و در این دوران والدینی در پرورش فرزندان خود موفق هستند که برای تربیت کودک خویش وقت می‌گذارند که بسیاری از والدین

این کار را نمی‌کنند و این یکی از مهمترین مسأله‌ها در پرورش خلاقیت است. (احمدوند: ۱۳۸۲) بنابراین محقق در پی پاسخ به این مسأله است که دانش آموزانی که رشته نظری مانند معارف اسلامی یا رشته عملی مانند تربیت بدنی را انتخاب میکنند دارای خلاقیت متفاوتی هستند و اگر خلاقیت در دو گروه متفاوت است در کدامیک بالاتر از دیگری است. بنابراین محقق در پی دستیابی به رابطه دوزبانگی با خلاقیت و هوش هیجانی و در بین دانش آموزان است.

ضرورت و اهمیت تحقیق

عالی ترین هدف آموزش و پرورش در تمامی سطوح تحصیلی، ایجاد توانایی در حل مسأله و خلاقیت در یادگیرندگان است ازراه ایجاد این تواناییها در دانش آموزان می توان آنان را برای برخورد درست با شرایط متغیر زندگی و موقعیتهای جدیدی که مرتباً با آنها روبه روخواهند شد آماده کرد وقتی یادگیرنده با موقعیتی روبه رو می‌شود که نمی‌تواند ازطریق استفاده از اطلاعات و مهارت هایی که در آن لحظه در اختیار دارد به آن موقعیت به سرعت پاسخ دهد با مسأله روبروست. (سیف، ۱۳۸۲) در حل مسأله باید اطلاعات آموخته شده ی قبلی، به ویژه اصولی که یادگیرنده قبلاً آموخته است به طریقی تازه با هم ترکیب شوند بنابراین داشتن اطلاعات و مفاهیم اصول به تنهایی برای حل مسائل کافی نیستند بلکه یادگیرنده برای حل مسأله، با ترکیب اصول و اطلاعات از پیش آموخته شده راههای تازه ای را کشف کند. (سیف: ۱۳۸۲) برخی از معلمان فقط به این دلیل که برخی از دانش آموزان هوش کمتری نسبت به دیگر دانش آموزان هم طراز خود دارد توجه کمی به کارهای خارق العاده ی آنها می دهند و از این نظر به دانش آموزان بهاء نمی دهند و حتی خلاقیت دانش آموزان از این قبیل را در نطفه خفه می کنند و همچنین نبود یک شیوه و ابزار سنجش خلاقیت دقیق در مدارس موجب ضربه رسیدن به فرهنگ و پیشرفت جامعه شده است و همچنین ذکر این جمله که این نتایج تحقیقات هستند که برنامه ریزان آموزشی و کشوری را در طرح و برنامه ریزی هدایت می کنند پس اگر چنین تحقیقاتی از این جمله انجام داده نشوند ممکن است جامعه را اздаشتن خیلی از دانشمندان و مخترعان بی نصیب گرداند و به عواقبی که از نظر اقتصادی، فرهنگی و غیره متوجه جامعه می‌شود. (تهمت: ۱۳۷۷)

در نهایت یافته های این تحقیق که به بررسی مقایسه ی خلاقیت دانش آموزان متوسطه ی دخترانه ی رشته ی تربیت بدنی با معارف اسلامی می پردازد راه گشای بعضی از مشکلات و مسائل در نظام آموزشی و نظام برنامه ریزی بشود و باشد که با اتخاذ تصمیم صحیح در این باره و ارائه روش سنجشی صحیح خلاقیت در مدارس جامعه را از گزند آسیب وارده از جهت عدم شناسایی دانش آموزان حفظ نماید.

اهداف تحقیق

- بررسی مقایسه‌ی خلاقیت و هوش هیجانی دانش آموزان متوسطه‌ی دختر و پسر
- بررسی مقایسه‌ی خلاقیت و دو زبانی دانش آموزان متوسطه‌ی دختر و پسر
- ارائه پیشنهاد بر اساس نتایج این پژوهش به مسئولین دست اندرکار به ویژه به وزارت آموزش و پرورش جهت فراهم سازی زمینه‌های لازم برای رشد خلاقیت دانش آموزان.

فرضیه‌های پژوهش

- خلاقیت دانش آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.
- آیین سطح تحصیلات پدر و عوامل مؤثر بر رشد خلاقیت دانش آموزان رابطه وجود دارد.
- بین سطح تحصیلات مادر و عوامل مؤثر بر رشد خلاقیت دانش آموزان رابطه وجود دارد.
- بین سطح رفاه اقتصادی و عوامل مؤثر بر رشد خلاقیت دانش آموزان رابطه وجود دارد.
- بین تعداد فرزندان و عوامل مؤثر بر رشد خلاقیت رابطه وجود دارد.
- بین شاغل بودن پدر و عوامل مؤثر بر رشد خلاقیت دانش آموزان رابطه وجود دارد.
- بین شاغل بودن مادر و عوامل مؤثر بر رشد خلاقیت دانش آموزان رابطه وجود دارد.

تعریف مفهومی و نظری

خلاقیت: خلاقیت عبارت است از دور شدن از چیزهای واضح و معمولی یا قطع رابطه با تفکر مبتنی بر عادات است (تورنس، ۱۳۷۵)

هوش هیجانی

داشتن ظرفیتی برای شناخت احساسات و هیجانان خود و دیگران و استفاده از این هیجانان به نحو مناسب، برای برقراری ارتباط بهتر با خود و دیگران.

همانطور که در سخنان ارسطو در ابتدای این سخن مشاهده می کنید، عصبانیت یک هیجان و یا احساس است، و فردی که دارای هوش هیجانی بالاتری باشد می داند این عصبانیت را چه وقت، کجا، با چه کسی و چگونه ابراز کند تا به جای اینکه برایش دردسر تولید کند، راه گشا باشد.

اینجا لازم است درباره خود کلمه هیجان بیشتر بدانیم: هیجان کلمه‌ای است که در فارسی بیشتر برای احساسات و حالات پر شور و پر انرژی از آن استفاده می کنیم، ولی در روانشناسی برای بیان تمام حالات احساسی و روانی مثبت و منفی و علایم جسمانی همراه آن به کار می رود. هیجانان مثل خشم، ترس، عشق و محبت، تنفر، امید، ناامیدی، نگرانی، احساس حقارت، غرور، غم و اندوه، شادی، تعجب، شرم، پشیمانی، دلسوزی و ...

تعریف عملیاتی

خلاقیت: کمیتی است که با استفاده از پرسشنامه خلاقیت تورنس هر آزمودنی آن را کسب می کند.

تعریف عملیاتی سطح تحصیلات پدر: منظور از سطح سواد، میزان تحصیلاتی است که پدر در یکی از مقاطع تحصیلی آن را کسب کرده است و از طریق پرسشنامه ی دموگرافیک معین خواهد شد.

تعریف عملیاتی سطح تحصیلات مادر: منظور از سطح سواد، میزان تحصیلاتی است که مادر در یکی از مقاطع تحصیلی آن را کسب کرده است و از طریق پرسشنامه ی دموگرافیک معین خواهد شد.

تعریف عملیاتی سطح رفاه اقتصادی خانواده: منظور میزان در آمدی است که از طریق اعضای خانواده وارد خانه شده و خرج مایحتاج زندگی می شود چه از طریق نهادها و ارگان های دولتی و از طریق پرسشنامه ی دموگرافیک معین خواهد شد.

تعریف عملیاتی تعداد فرزندان خانواده: منظور تعداد فرزندان است که آیا کم یا زیاد بودن فرزندان در رشد خلاقیت اثر دارد و از طریق پرسشنامه ی دموگرافیک معین خواهد شد.

اشتغال: منظور از اشتغال در این پژوهش، اشتغال فرد به کار در محیط بیرون از خانه با کسب درآمد معین است که از طریق پرسشنامه ی دموگرافیک معین خواهد شد.

پیشینه پژوهش

– زارع (۱۳۸۰)، در پژوهش خود با استفاده از پرسشنامه هوش هیجانی بار- ان، توان پیش بینی هوش هیجانی را در موفقیت تحصیلی دانش آموزان سال سوم دبیرستان، مورد آزمون قرار داد. نتایج نشان دهنده ارتباط معنی دار ($r = 0.68/20$) بین هوش هیجانی و موفقیت تحصیلی بوده است. در حالی که سبحانی (۱۳۸۳) در پژوهشی بر روی دانشجویان، بیان می دارد که بین هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی، رابطه معنی داری وجود نداشته است.

– کرک و گالاگر به نقل از بورلی بیان می دارند بسیاری از پژوهش ها وجود ارتباط بین شخصیت و افت تحصیلی را به اثبات رسانیده است (به نقل از فاضل، ۱۳۸۱)

– پاریش و ویلیس (۱۹۹۲) در بررسی خود دریافتند که بین ترتیب تولد و موفقیت تحصیلی، رابطه معکوس وجود دارد. به معنای دیگر، کودکانی که زودتر به دنیا می آیند (کودکان بزرگتر) نسبت به خواهر یا برادرهای کوچکتر خود، از موفقیت تحصیلی کمتری برخوردارند. در حالی که ایاکوو (۲۰۰۱) در پژوهشی بیان می دارد که کودکان کوچکتر خانواده، موفقیت های تحصیلی کمتری نسبت به فرزندان بزرگتر خانواده دارند.

– گومز (۱۹۸۴)، در پژوهش خود در جامعه کنیا، مطرح می دارد که بدلیل کمک مالی فرزندان بزرگتر به وضعیت اقتصادی خانواده، فرزندان کوچکتر، موفقیت تحصیلی بهتر و بیشتری را تجربه می کنند. در

حالی که کانلی و گلابر (۲۰۰۵)، در پژوهشی بر روی تعداد فرزندان از هر دو جنس دریافتند که تعداد افراد خانواده با موفقیت تحصیلی کودکان رابطه منفی دارد.

— بلیک و همکاران (۲۰۰۵) دریافتند که بین تعداد افراد خانواده، ترتیب تولد و پیشرفت تحصیلی فرزندان رابطه منفی معنی داری وجود دارد.

— لو و تریمن (۲۰۰۵)، نشان دادند، کودکانی که رتبه تولد کمتری در بین فرزندان خانواده دارند شاید در برخی موارد، موفقیت‌های بهتری نسبت به سایر فرزندان تجربه کنند. ولی این نتایج مفروض به این است که خانواده کم جمعیت باشد. به اعتقاد آنان، می‌توان بیان داشت که بطور کلی تأثیر متغیرهایی همچون ترتیب تولد، فاصله تولد و جنسیت بر موفقیت تحصیلی کودکان، ارتباط تنگاتنگی با تعداد فرزندان خانواده دارد. پژوهش‌های دیگری مانند استیلمن (۱۹۸۵)، نشان دادند که داشتن خواهر بیشتر نسبت به برادر، تأثیر منفی کمتری در رسیدن به پایه‌های تحصیلی بالاتر دارد.

— هارتلی^۱ (۱۹۸۸) طی تحقیقی در مورد "ارتباط رشد خلاقیت کودکان با نحوه آموزش" دریافت که در صورت وجود فضای آزاد آموزشی و پذیرش فرض وجود پاسخهای متفاوت به جای پاسخ واحد، خلاقیت و خودگردانی دانش آموزان افزایش پیدا می‌کند.

— لیندبلد^۲ (۱۹۷۶) طی تحقیقی در مورد "ارتباط نحوه تعامل والدین و رشد خلاقیت کودکان" دریافت که تعامل مناسب و سازنده تا حد زیادی با رشد قوه خلاقانه کودکان ارتباط دارد.

— چانک^۳ (۲۰۰۰) طی تحقیقی در مورد "ارتباط محیط با بروز خلاقیت کودکان" دریافت که وجود محرکهای غنی محیطی، عضویت در گروه‌های کوچک و برنامه‌های آموزشی انعطاف پذیر به رشد خلاقیت کودکان کمک می‌نماید.

— واتسون^۴ (۱۹۶۰) و گتزلس و جکسون (۱۹۶۲) طی تحقیقی در مورد "ارتباط شیوه‌های تربیت خانوادگی و رشد خلاقیت کودکان" دریافت که رشد خلاقیت در خانواده‌های آزادگذارنده، مسامحه کار و خطاپذیر بیشتر است.

— اسمایل^۵ (۲۰۰۵) طی تحقیقی در مورد "نقش فاکتورهای یادگیری سازمانی و جو خلاق بر روی نوآوری سازمانی در کوالامپور" به این نتیجه رسید که ارتباط معنی داری بین فرهنگ یادگیری سازمانی و جو خلاق با نوآوری وجود دارد.

— هارا و استرنبرگ^۶ (۲۰۰۱) طی تحقیقی در مورد "بررسی سبک‌های تفکر افراد خلاق" به این نتیجه رسیدند که افرادی که ترجیح می‌دادند بر مبنای تفکرات خاص خود عمل کنند (یعنی کسانی که دارای

1. Hartley
2. Lind Blad
3. Chank
4. Watson
5. Smail
6. Hara & Stranberg

سبک تفکر قانون گرا بودند (عملکرد خلاقه بهتری نشان دادند، در حالیکه افرادی که به تحلیل و ارزیابی تفکرات گرایش داشتند) یعنی کسانی که دارای سبک تفکری قضاوت گرا بودند وقتی هیچ گونه آموزش ویژه ای ندیده بودند عملکرد خلاقانه ی ضعیفتری نشان دادند.

– لوکسا، لوکسوا، کورکورا^۱ (۲۰۰۰) طی تحقیقی در مورد "عوامل مؤثر روانی – اجتماعی بر عملکرد خلاقانه" به بررسی اثرات انتظار ارزیابی و شرائط کاری بر ویژگی ها و فعالیت های خلاق دانشجویان دانشگاه پرداخته و به این نتیجه رسیدند که انتظار ارزیابی بر همه متغیرها و عوامل تشکیل دهنده خلاقت تاثیر می گذارد.

– تورنس^۲ (۱۹۷۴) طی یک مطالعه تحقیقی تحت عنوان "تشخیص نقش جنسیت در تفکر خلاق" نشان داده است که هیچ تفاوت معنی داری بین خلاقت و جنسیت وجود ندارد.

– مک کینون^۳ (۱۹۹۱) طی یک مطالعه تحقیقی در مورد "بررسی تأثیر عقاید و فشار دیگران بر خلاقت فرد" به این نتیجه رسید که افراد خلاق خودانگیخته بوده و اصولاً تحت تأثیر دیگران نیستند در عین حال آنان از نظر اجتماعی مسئولیت پذیر بوده و هموائی با دیگران دارند.

– راسکین^۴ (۱۹۹۵) طی تحقیقی در مورد "ویژگی های شخصیتی مدیران خلاق" به این نتیجه دست یافت که مدیران خلاق بیشتر مستقل عمل می کنند یعنی در عملکرد و قضاوت کمتر تحت تأثیر دیگران هستند در عین حال خصوصیات ی چون ابراز وجود، سلطه جوئی و علاقه به کسب قدرت فردی دارند.

– رو و بایارز^۵ (۱۹۹۷) طی تحقیقی در مورد "ارتباط خلاقت و جو سازمانی" دریافت که جو محیطی بیش از هر چیز بر فرآیند بروز خلاقت افراد تأثیر می گذارد.

– ویرپی آسی کائین و ووسی روتاما^۶ (۱۹۹۸) با بررسی "رابطه عوامل شخصیتی و خلاقت مدیران" دریافت که مدیران درون گرا زمینه بروز رفتار خلاقانه بیشتری دارند.

– پارانز^۷ (۱۹۶۳) و دی بنو^۸ (۱۹۷۰) و کلینکن^۹ (۱۹۸۶) طی تحقیقی در مورد "بررسی وجود خلاقت در افراد مختلف" دریافتند که خلاقت با شدت کم و زیاد بصورت بالقوه در همه انسانها وجود دارد.

– تورنس^{۱۰} (۱۹۷۳) طی تحقیقی در مورد "بررسی ارتباط آستانه هوش و خلاقت" دریافت که در بهره هوشی کمتر از ۱۲۰، خلاقت نیز محدود است اما پس از آن بعد مستقی می یابد.

– اتکینسون و هلیکارد^{۱۱} (۱۹۸۳) طی تحقیقاتی در مورد "عملکرد اختصاصی نیمکره های مغز و ارتباط آن با خلاقت" دریافتند که احتمال زیاد وجود دارد که تفکر خلاقانه نتیجه عملکرد نیمکره راست مغز باشد.

1. Loksa ; Loksova & Korkora
2. Torrance
3. Mak Kinon
4. Ruskin
5. Rue & Byars
6. Virpi Asikainen & Vesa Routama
7. Parenz , De Beno & Klinken
8. Atkinson & Hilgard

– آدامز و هنری^۱ (۱۹۹۸) طی تحقیقی با عنوان "بررسی تاثیر عزت نفس بر روی خلاقیت دانش دانشجویان رشته علوم اجتماعی دانشگاه پنسیلوانیا" دریافتند عزت نفس با میزان خلاقیت دانشجویان ارتباط مستقیم و معنی داری داشته لکن شدت ارتباط در بین دانش آموزان پسر بیشتر است.

نمونه و روش نمونه گیری

نمونه عبارت است از زیر جامعه ای که از کل جامعه انتخاب می شود و معرف آن است. (دلاور-۱۳۸۱) در این پژوهش از نمونه گیری در دسترس استفاده شده در نمونه گیری در دسترس مزیت سادگی و سهولت در انجام کار وجود دارد. نقطه ضعف آن سوگیری احتمالی در یافته های تحقیق و عدم توانایی پژوهشگر در تعمیم یافته های پژوهش است، زیرا نمونه انتخاب شده معرف و نماینده واقعی جامعه نیست (دلاور، ۱۳۹۰). به طور خلاصه نمونه آماری این پژوهش شامل ۱۱۴ دانش آموز است.

روش پژوهش

این پژوهش با توجه به موضوع، اهداف و فرضیه های پژوهشی از نوع کاربردی و بر مبنای روش زمینه ای انجام شده است. هدف تحقیقات کاربردی توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است به عبارت دیگر تحقیقات کاربردی به سمت کاربرد عملی دانش هدایت می شود. نتایج این نوع تحقیقات در تعلیم و تربیت، مثلا در طراحی برنامه های درسی و کمک به اتخاذ تصمیم های مربوط به نظام آموزشی به کار می رود. (دلاور-۱۳۸۱) و روش های پژوهش زمینه ای عمیقاً کنش و واکنش های میان عوامل بوجود آورنده تغییر را در مورد یا زمینه ای ویژه بررسی می کند. (سیف نراقی – و نادری: ۱۳۸۹) برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS و آزمون تی و آزمون آنوا برای تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شده است.

ابزار پژوهش

الف) ابزار گردآوری داده ها:

ابزار گردآوری داده ها در این پژوهش یکی از ابزارهای رایج و روشی مستقیم برای کسب داده های تحقیق یعنی پرسشنامه است، پرسشنامه مجموعه ای از سوال ها (گویه ها) است که پاسخ دهنده با ملاحظه آن ها پاسخ لازم را ارائه می دهد این پاسخ، داده مورد نیاز پژوهشگر را تشکیل می دهد سوال های پرسشنامه را نوعی محرک – پاسخ می توان محسوب کرد. (بازرگان – ۱۳۸۵) که در پژوهش حاضر از آزمون خلاقیت تورنس که شامل ۶۰ سوال ۳ گزینه است استفاده شد پرسشنامه را در میان دانش آموزان پایه پنجم در مدرسه فدک که شامل ۲ کلاس بودند به طور تصادفی پخش کرده و آنان را در مورد هر سوال راهنمایی کردم تا پاسخ های مورد نظر خود را انتخاب کنند و بعد از آن پرسشنامه محقق ساخته را که شامل ۴ سوال

چهار گزینه در مورد فرضیه‌های پژوهش بود را در اختیار دانش آموزان قرار دادم و بعد از راهنمایی جواب آنها را نیز دادم.

ب) پایایی و روایی ابزار پژوهش:

دلیل انتخاب آزمون خلاقیت تورنس، کارایی و اعتبار و پایایی مناسب آن در پژوهش بود. این آزمون مکرراً در پژوهش‌ها و اندازه‌گیری‌ها تربیتی مورد استفاده قرار گرفته است. بر اساس نتایج پژوهش‌هایی که در دفترچه راهنمایی این آزمون منتشر شده، ضریب پایایی این آزمون ۸۰ در صد و ۹۰ درصد بر آورد شده است و بعد از ۲۰ سال ضریب اعتبار پیش میان معادل ۶۳ در صد را نشان داده است. (عابدی، ۱۳۷۲)

نمره گذاری آزمون خلاقیت تورنس

آزمون استاندارد خلاقیت تورنس یکی از ابزارهای مورد استفاده می باشد که در قالب ۳ گزینه ای تنظیم شده است به ازای هر پاسخ به پاسخ (الف) (الف) (صفر) امتیاز به پاسخ (ب) (یک) امتیاز و به پاسخ (ج) (دو) امتیاز در نظر گرفته شده است.

جدول نرم آزمون تورنس

رشد خلاقیت	خلاقیت
خلاقیت بسیار زیاد	از ۱۲۰ الی ۱۰۰
خلاقیت زیاد	از ۱۰۰ الی ۸۵
خلاقیت متوسط	از ۸۵ الی ۷۵
خلاقیت کم	از ۷۵ الی ۵۰
خلاقیت بسیار زیاد	از ۵۰ الی پایین

آزمون هوش هیجانی شات

این مقیاس به وسیله شات^۸ و همکاران (۱۹۸۸) بر اساس مدل هوش هیجانی مایر و سالوی (۱۹۹۷) ساخته شده است. این مقیاس دارای ۳۳ سوال می باشد، سوالات این آزمون در روی یک مقیاس لیکرت ۵ نقطه ای از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم تنظیم شده است. که در نمره گذاری این آزمون به کاملاً موافقم نمره ۵، موافقم نمره ۴، نظری ندارم نمره ۳، مخالفه نمره ۲ و کاملاً مخالفم نمره ۱ داده می شود و در سوالات با محتوای منفی یا معکوس نمره گذاری هم به صورت معکوس انجام می شود (کاملاً موافقم نمره ۱ و کاملاً مخالفم نمره ۵). کسب نمرات بیشتر در این آزمون، نشانگر موقعیت برتر فرد در مقیاس مورد نظر یا در کل آزمون می باشد.

سوال های آزمون، سه مقوله توانایی های سازشی، شامل ادراک هیجان ها، تنظیم هیجانی و بهره وری هیجانی در مقیاس ۵ درجه ای لیکرت از نمره یک (کاملاً مخالفم) تا نمره ۵ کاملاً موافق) می سنجد (اوستین^۹ و همکاران، ۲۰۰۳). پژوهش ها نشان داده اند که این مقیاس دارای اعتبار بالایی در بین نوجوانان است. همسانی درونی سوال های آزمون بر حسب ضریب آلفای کرونباخ از ۰/۸۴ تا ۰/۹۰ گزارش شده است. ضریب پایایی بازآزمایی مقیاس به فاصله ی دو هفته ۰/۷۸ محاسبه شده است (اوستین و همکاران، ۲۰۰۵). این آزمون دارای ۷ زیرمقیاس است که در جدول ذیل، زیر مقیاس ها همراه با سوالات مرتبط ذکر شده است.

1. Shutte
2. Austin

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS استفاده شده است برای تبیین نظریه‌ها از آزمون آزمون آنوا استفاده شده است.

فهرست منابع و مآخذ

- اسپورن الکس: پرورش و استعداد های همگانی ابداع خلاقیت ترجمه حسین قاسم زاده انتشارات نیلوفر
- آسیب شناسی روانی: تالف: دیوید ال روزنهان. پی. سیلیگمن (ترجمه) یحیی سید محمدی. ناشر: ساوالان. نوبت چاپ دوم.
- بنی فاطمه و نکاحی (پایان نامه): بررسی ارتباط هوش هیجانی با سلامت روان و پیشرفت تحصیلی، دانشگاه آزاد اردبیل، ۸۶-۱۳۸۵.
- پایان نامه: روش های پرورش خلاقیت در کودکان و نوجوانان خلاقیت در کودکان و نوجوانان
- خدا رحیمی، سیامک (۱۳۷۴) مفهوم سلامت روانشناختی، مشهد، انتشارات جاودان فرد، چاپ اول.
- روانپزشکی. تالیف. فرنک فیش (ترجمه) دکتر نصرالله پور افکاری. چاپ اول. نشر: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی تبریز.
- روشهای عملی تحقیق در علوم انسانی میر محمد سید عباس زاده. ارومیه. دانشگاه ارومیه
- زنجانی، میرحسینی، امیدی، نیازی و عطوف؛ رابطه هوش هیجانی و خودکارآمدی با سلامت روان دانشجویان؛ مجموعه مقالات پنجمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، تهران، ۱۳۸۹.
- سایکوسیرنیتک روانشناسی خلاقیت. ماکسول مالتز. ترجمه مهدی قراجه داغی. انتشارات شباهنگ
- شکوهی یکتا. محسن و پرند. اکرم (۱۳۸۶) روانشناسی و آموزش تیزهوشان نشر طبیب
- شهریار حسنی؛ رابطه هوش هیجانی و سلامت عمومی در دانشجویان، مجموعه مقالات پنجمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، تهران، ۱۳۸۹.
- علیرضا پیرخانی: پرورش خلاقیت مبانی و رشدها. انتشارات هزاره ققنوس
- غلامعلی افروز: چکیده ای از روان شناسی تربیتی کاربردی
- غلامعلی افروز: مباحثی در روان شناسی و تربیت کودکان و نوجوانان. تهران انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران
- غلامعلی افروز: نقش اعتماد به نفس در خلاقیت نوجوانان و جوانان
- غلامعلی افروز: نقش اعتماد به نفس در خلاقیت نوجوانان و جوانان
- فولاد چنگ، محبوبه و موسوی، سید حنظله (۱۳۸۷). بررسی رابطه تاب آوری و افسردگی در بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه شیراز. مجموعه مقالات چهارمین سمینار سراسری بهداشت روان دانشجویان. ص ۳۲۴-۳۲۶.
- هوش هیجانی در زندگی روزمره، کندکاوی علمی؛ کیارچی، میر و نورگاس، ترجمه ی نجفی زند، ۱۳۸۵.
- هوش هیجانی و معنویت، شریفی درآمدی؛ ۱۳۸۶.

– هوش هیجانی، خودآگاهی هیجانی، خویشتن داری، همدلی و یاری به دیگران؛ گلمن، ترجمه پارسا، ۱۳۸۷.

– هوش هیجانی؛ ترجمه مهدی گنجی؛ نشر ساوالان، ۱۳۸۴.

– یوسفی فریده؛ بررسی رابطه هوش عاطفی اندازه گیری شده و هوش عاطفی برآورد شده توسط خود در گروهی از دانشجویان؛ مجموعه مقالات چهارمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، تهران، ۱۳۸۷.